

مبانی انسان‌شناختی تربیت فرزند از منظر نامه 31 نهج البلاغه در مواجهه با تغییرات نسلی

نویسندگان: مرضیه گنجی - زهرا بابازاده

استاد راهنما: دکتر رضا میرزایی

چکیده

تربیت فرزند به عنوان یکی از پایه‌های اصلی شکل‌گیری فرد و جامعه، نیازمند رویکردی جامع و انسان‌شناسانه است که در آن ابعاد اجتماعی، اخلاقی و اعتقادی به صورت هماهنگ مورد توجه قرار گیرد. نامه 31 نهج‌البلاغه به عنوان یک منبع معتبر و غنی، مبانی انسان‌شناختی تربیت فرزند را با تأکید بر رشد درونی، خودسازی و انتقال ارزش‌های اخلاقی و دینی تشریح می‌کند. این نامه توجه ویژه‌ای به مقتضیات سنی فرزندان و لزوم تفاهم و همدلی والدین با آن‌ها دارد همچنین راه‌های نوآورانه و خردمندانه‌ای برای حفظ پیوستگی و ارتقای تربیت معرفی می‌کند که در مواجهه با تغییرات نسلی بسیار کارآمد است. بر پایه یافته‌های این تحقیق که به روش توصیفی-تحلیلی نگارش یافته، نشان می‌دهد که بهره‌گیری از مفاهیم این نامه در نظام تربیتی، می‌تواند فرزندی متعهد، اخلاقی و مسئولیت‌پذیر را برای جامعه تربیت کند که هم در زمینه فردی و هم اجتماعی موفق عمل نماید و به چالش‌های تغییرات نسلی پاسخ مناسبی دهد.

کلید واژه: انسان‌شناختی، تربیت فرزند- تغییرات نسلی- نامه 31- نهج البلاغه

مقدمه

تربیت فرزند یکی از مهم‌ترین مسائل در زندگی فردی و اجتماعی است که از دیدگاه امام علی علیه‌السلام در نامه 31 نهج‌البلاغه مورد توجه ویژه قرار گرفته است. این نامه، به عنوان یک سند تربیتی ناب، اصول و روش‌های اساسی تربیت فرزند را بیان می‌کند و اهمیت آن را در شکل‌گیری شخصیت و سرنوشت فرد و جامعه برجسته می‌سازد. هم‌زمان با تغییرات نسلی و تحولات اجتماعی، نیاز به بازخوانی این مبانی برای مواجهه مؤثر با چالش‌های تربیتی نسل جدید بیش از پیش احساس می‌شود. (مکارم شیرازی، 1386، ج9، ص 480-500)

آنچه مسلم است؛ ضرورت برقراری یک رابطه عاطفی و عمیق بین والد و فرزند و شتاب در بخشی از دوران حساس کودکی و نوجوانی برای تربیت صحیح است. همچنین اهمیت شناخت ظرفیت‌ها و ویژگی‌های انسانی فرزند برای تربیت هدفمند و تربیت اخلاقی و معرفتی به عنوان اساس رشد فرزند تونیز مورد توجه قرار گرفته است. حال سوال این است که چگونه می‌توان مبانی انسان‌شناختی تربیت فرزند در نامه 31 نهج‌البلاغه را به صورت مؤثر و

کاربردی در تربیت اجتماعی، اخلاقی و اعتقادی نسل امروز به کار گرفت تا هم نیازهای فطری انسان و هم مقتضایات زمان و مکان به بهترین شکل پاسخ داده شود؟ و چگونه می‌توان بین تربیت عاطفی، شناختی و رفتاری با مولفه‌های روز جامعه هماهنگی ایجاد کرد؟

مواجهه با تغییرات نسلی از چالش‌های اساسی در عصر حاضر است که عدم مدیریت صحیح آن به تضادهای نسلی و گسست فرهنگی منجر می‌شود. نامه ۳۱ نهج‌البلاغه به‌عنوان یک سند تربیتی جامع، مبانی انسان‌شناختی ارزشمندی برای طراحی الگوی تربیتی متناسب با این تحولات ارائه می‌دهد. ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که در جوامع امروز، شاهد تنوع ساختارهای خانوادگی، تأثیر بی‌سابقه رسانه‌ها و فناوری‌ها، و تغییر نقش‌های والدینی هستیم؛ این عوامل، تربیت سنتی را با چالش‌های جدیدی مواجه کرده است.

برای موضوع «مبانی تربیت فرزند از منظر نامه ۳۱ نهج‌البلاغه در مواجهه با تغییرات نسلی» پیشینه پژوهشی مهمی وجود دارد که برخی از آنها به شرح زیر است:

الف) احمد فعال اصفهانی در مقاله «تغییر نسلی، پیامدهای تربیتی و شیوه‌های برخورد با آن در نهج‌البلاغه» (منتشر شده در کنفرانس بازخوانی ابعاد شخصیتی امیرالمؤمنین علی علیه السلام ۱۳۹۸) که در آن با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد میان‌رشته‌ای، مبانی تغییر نسلی از دیدگاه جامعه‌شناسی بررسی شده و سپس دیدگاه امام علی علیه السلام در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه تحلیل شده است. نتایج نشان می‌دهد امام علی علیه السلام به ویژگی‌های روانی جوانان، کمکاری متصدیان تربیتی و عملکرد غیرحکیمانه حاکمان به عنوان علل تغییر نسلی اشاره کرده و آثار آن را از جمله اختلاف نسل‌ها و از بین رفتن سنت‌ها برشمرده است.

ب) کتاب «مبانی تربیت در صحیفه سجادیه و نهج‌البلاغه» نوشته کبری گندمی (ناشر: هورین ۱۴۰۲) که به بررسی مبانی تربیتی در متون اصیل اسلامی از جمله نهج‌البلاغه پرداخته و بر اهمیت تربیت دینی و اخلاقی در مواجهه با تحولات اجتماعی تأکید دارد.

ج) مهدی سلطانی رانی در مقاله «روش‌های تربیتی در پرتو نهج‌البلاغه» (منتشر شده در پایگاه حوزه) که به اهداف تربیتی از دیدگاه امام علی علیه السلام می‌پردازد و بیان می‌کند تربیت باید فرزندان را برای مواجهه با تغییرات سریع اجتماعی و فرهنگی آماده کند و آنان را از غوطه‌وری در شبهات و تشکیکات حفظ نماید.

د) محمد سبحانی نیا در مقاله «منشور جوانی از دیدگاه امام علی علیه السلام با رویکرد نامه ۳۱ نهج‌البلاغه» (منتشر شده در مجله ره توشه رمضان ۱۳۹۹) که اهمیت دغدغه امام علی علیه السلام نسبت به تربیت فرزند را نشان می‌دهد و بیان می‌کند نامه ۳۱ نهج‌البلاغه نمونه‌ای بارز از توجه ویژه به تربیت فرزند حتی در شرایط سخت جنگ است.

تحقیق حاضر همچون پژوهش‌های گذشته، بر اهمیت و جایگاه نامه ۳۱ نهج‌البلاغه در تربیت فرزند و استخراج اصول و روش‌های تربیتی از این متن تأکید دارد. همچنین این تحقیق تمرکز ویژه بر مبانی انسان‌شناختی تربیت فرزند و مواجهه با تغییرات نسلی دارد که وجه تمایز اصلی این تحقیق است. در حالی که اغلب پژوهش‌ها به تبیین اصول کلی تربیت یا مقایسه با مکاتب دیگر پرداخته‌اند، تحقیق حاضر به طور خاص به کاربرد آموزه‌های نهج‌البلاغه در شرایط معاصر و تحولات نسلی می‌پردازد. این زاویه جدید، خلأ موجود در ادبیات پژوهشی را پر می‌کند و از موازی‌کاری با تحقیقات پیشین جلوگیری می‌کند؛ چراکه کمتر پژوهشی به صورت نظام‌مند به تطبیق آموزه‌های نامه ۳۱ با اقتضائات و نیازهای تربیتی نسل امروز پرداخته است.

۱) مفهوم شناسی

۱-۱) مفهوم شناسی مبانی انسان‌شناختی:

کلمه «مبانی» جمع «مبنا» به معنای پایه، اساس، ریشه و محل بناء چیزی است. «انسان‌شناختی» به معنای شناخت انسان از جنبه‌های مختلف وجودی، روانی، اجتماعی و اخلاقی است. (شریفی، ۱۴۰۳، ص ۴۳۷)

معنای اصلاحی: مبانی انسان‌شناختی یعنی باورها و اصول بنیادینی که درباره ماهیت و ویژگی‌های انسان در یک نظام معرفتی یا فلسفی مطرح می‌شود. این شامل شناخت ابعاد وجودی انسان (بدن و روح)، استعدادها، ویژگی‌ها و گرایش‌های انسانی است. این مبانی زیربنای نظری تعلیم و تربیت قرار می‌گیرند و هر برنامه تربیتی باید بر اساس شناخت واضحی از این مبانی طراحی شود. (شریفی، همان)

معنای مدنظر در این مقاله، باورهای بنیادینی است که در نامه ۳۱ نهج البلاغه درباره ماهیت انسان (فرزند) مطرح شده و شامل دو بُعد اصلی انسان یعنی جسم و روح است. این مبانی ناظر بر درک ظرفیت‌های اخلاقی، فکری و معرفتی فرزند و نقش روح در اصالت و حقیقت وجودی او هستند. همچنین شامل گرایش‌ها و ارزش‌هایی است که باید در تربیت فرزند به منظور رشد سالم فرهنگی، اخلاقی و معنوی لحاظ شود. (شریفی، حسن زاده، بهشتی، سلحشوری، ۱۴۰۲، ص ۳۰۳)

۲_۱) مفهوم‌شناسی تربیت فرزند:

کلمه «تربیت» از ماده «ربا» در زبان عربی به معنی «زاد و نما» یا «رشد و افزایش» گرفته شده است. همچنین از کلمه «رب» به معنای مربی و صاحب اختیار نیز مشتق شده که به معنای عمل انجام وظیفه کردن به شیوه‌ای نیکو و پسندیده است. بنابراین تربیت یعنی رشد دادن، پرورش دادن و انجام دادن وظیفه‌ای مناسب در قبال کسی که مورد تربیت است. (انصاری، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴۶۴)

تربیت فرزند اصطلاحاً به معنای انتخاب اقدامات، رفتارها و گفتارهای مناسب و فراهم آوردن شرایط لازم برای پرورش استعدادهای نهفته و شکوفا کردن تمام ابعاد وجودی کودک (جسمی، روحی، اخلاقی، عقلانی) به صورت هماهنگ است تا کودک به سمت کمال مطلوب و رشد متعادل حرکت کند. در اصطلاح حقوقی و اخلاقی، تربیت به پرورش روحی و اخلاقی اطفال است و مربیان اعم از والدین، معلمان و دیگران باید نقش فعال در این امر داشته باشند. (موسسه دائرةالمعارف الفقه الاسلامی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۳۷)

در مقاله‌های تخصصی تربیت فرزند، تربیت از دیدگاهی جامع و انسان‌شناختی دیده می‌شود که فراتر از آموزش صرف است و شامل رشد درونی، پرورش اخلاق و معنویت، شناخت ظرفیت‌های فردی کودک و تنظیم روش‌های تربیتی متناسب با سرشت و شرایط اوست. تربیت به عنوان فرایندی هدفمند تلقی می‌شود که نیازمند شناخت کامل ابعاد انسانی فرزند است تا بتواند او را در مسیر رشد متوازن و کمال انسانی قرار دهد. در این رویکرد، تربیت فرزند هم شامل اصلاح رفتار ظاهری و هم تزکیه باطن و توسعه معرفت انسانی است که بر اساس آموزه‌های دینی، به ویژه از نامه ۳۱ نهج البلاغه، مورد توجه قرار دارد. این معنا در مقاله حاضر نیز قابل تطبیق است. (انصاری، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴۶۴_۵۰۱)

۲) مبانی انسان‌شناختی تربیت اخلاقی فرزندان در نامه 31 نهج البلاغه

تربیت از حیاتی‌ترین ابعاد زندگی انسان است و در سایه آن، انسان به سعادت مطلوب نائل می‌آید. مربی بزرگ اسلام، حضرت علی علیه السلام در سخنان گهربار خود بارها به این امر مهم پرداخته و آثار و نتایج مثبت تربیت فرزند و پیامدهای منفی بی‌توجهی به آن را بیان داشته‌اند. بر خلاف نگرش بعضی افراد که از فرزند بیشتر به عنوان ابزاری برای پاسخگویی به نیاز عاطفی والدین و نیز عضو برای تامین و خدمت به خانواده و مایه فخر و مباهات والدین نگریده می‌شود، امام علی علیه السلام به فرزند بسی فراتر از این نگریده و آن را عطیه‌ای الهی بر شمرده‌اند که در پرتو توجه و تربیت والدین به رشد کافی رسیده و در پی نیکوکاری و احسان به والدین بر می‌آید. امام علی علیه السلام در نامه‌ای که به فرزند خود امام حسن مجتبی علیه السلام داشتند و در کتاب نهج البلاغه نامه ۳۱ است به انواع نکات اخلاقی و تربیتی که باید هر انسانی به آن توجه داشته باشد پرداخته‌اند.

۲_۱) ضعف آدمی و تاثیر موعظه و راهنمایی

از مهم‌ترین حقوق فرزندان راهنمایی آنان توسط والدین است. از آن جایی که نوجوان در مراحل اولیه زندگی راه پر فراز و نشیبی در پیش دارد و راهزنان زیادی در کمین او نشسته‌اند والدینی که راه زندگی را پیموده‌اند و سرد و گرم روزگار را چشیده‌اند و تجاربی در این زمینه اندوخته‌اند لازم است در این زمینه با نصیحت‌ها و راهنمایی‌های خود

فرزندانشان را از پیمودن در راه خطا و انحراف منع کنند. (پاک نیا، 1382، ص 37) امیر المؤمنین نیز در سفارشی راه گشا فرزندش امام مجتبی علیه السلام را راهنمایی کرده و او را در پیمودن راه صحیح زندگی یاری می کند و می فرماید: «ای فرزند عزیزم! تو را به رعایت تقوا سفارش می کنم و این که پیوسته در فرمان خدا باشی و دلت را با یاد خدا زنده کنی و به ریسمان او چنگ زنی، چه وسیله ای مطمئن تر از رابطه تو با خداست؟ اگر سر رشته آن را در دست گیری دلت را با موعظه و پند های نیکو زنده کن، هوای نفس را با بی اعتنایی به حرام بمیران، جان خود را با یقین به ارزش های الهی نیرومند ساز و با یاد مرگ خودت را آرام کن، با بررسی تحولات ناگوار دنیا به او آگاهی بخش و از دگرگونی روزگار و زشتی های گردش شب و روز او را بترسان، تاریخ گذشتگان را بنما، در دیار و آثار ویران شده رفتگان بگرد و بیندیش آنان چه کرده اند؟ از کجا کوچ کرده و در کجا فرود آمده اند؟ (دشتی، نامه 31، ص 370)

شیوه امام علی علیه السلام در سفر و حضر، و در دوران زمامداری و خاننشینی اش، همین بود که جاهلان را از راه وعظ و نصیحت و تذکر، هدایت و تربیت می کرد و طاغیان سرکش را از راه مبارزه و تهدید و تنبیه بیدار می ساخت و تأکید می فرمود: «دل ها را روی کردن و پشت کردنی است؛ پس دل ها را آن گاه به کار وادارید که بخواهند؛ زیرا اگر دل را به اجبار به کاری واداری، کور می گردد». (محمد دشتی، ص 205)

مفاهیم موجود در سخنان آغازین امام علی علیه السلام در وصیت به فرزندشان، اشاره به ضعف آدمی دارد و این که انسان نمیتواند بعضی عوامل را از خود دور کند یا بر آنها مسلط شود. از نظر تربیتی با شناخت وجود انسان و محدودیتهای وجودی او می توانیم با ارائه تجربیات خود به فرزندان و با برنامه ریزی بهتر و حساب شده تر برای تربیت بپردازیم.

۲_۲) توحید

خداجویی، خداخواهی و خدا دوستی از مبانی مهم تربیت اخلاقی در نهج البلاغه و به ویژه نامه ۳۱ نهج البلاغه است. امام علی علیه السلام در این نامه به فرزند بزرگوارشان می فرماید: "تو را سفارش می کنم به پرهیزکاری و ترس از خدا و به ملازمت امر و فرمان او و به آباد داشتن دل خود به یاد او و به چنگ زدن به ریسمان او و کدام سبب و رشته از سبب و رشته بین تو و خدا استوارتر است، اگر به آن دست اندازی؟" در جایی دیگر از نامه ۳۱ نهج البلاغه تأکید می کند: بدان ای پسر من، بهترین چیزی که تو از وصیت من فراگیری پرهیزکاری و ترس از خدا است و اکتفا کردن به آنچه خدا به تو واجب گردانیده. (دشتی، همان) با توجه به بخشهایی از نامه ۳۱ نهج البلاغه که ذکر شد، می توان گفت اصلاح رابطه انسان با خدا در جای جای این نامه امام علیه السلام موج می زند. بر این اساس، با الهام از کلام امام علی در خطبه ها و سایر نامه ها و حکمت های امام می توان به نقش اساسی و بنیادین اصلاح رابطه انسان با خداوند در امر تربیت به طور کلی و نیز تربیت اخلاقی پی برد.

۲_۳) اصل ارائه الگو

ارائه دادن الگو و سرمشقی که تمامی ویژگی های مورد انتظار مربی را در خود مجسم کرده باشد از جمله روش های تربیت اخلاقی است الگو و سرمشق از طریق فراهم نمودن امکان تقلید می تواند در تربیت اخلاقی افراد به ویژه در سنین پایین نقشی سازنده داشته باشد. قرآن کریم از دو پیامبر بزرگوار یعنی نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان الگوی شایسته نام برده است. خداوند در قرآن کریم در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب 21) یقیناً برای شما در روش و رفتار پیامبر خدا الگوی نیکویی است برای کسی که همواره به خدا و روز قیامت امید دارد؛ و خدا را بسیار یاد می کند.

یکی از سفارش های اکید حضرت علی علیه السلام به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام توصیه به سرمش قرار دادن نیاکان و شایستگان دودمان خویش است. وَ اعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّ أَحَبَّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِهِ إِلَيَّ مِنْ وَصِيَّتِي تَقْوَى اللَّهِ، (دشتی، 1392) و بدان، ای فرزند، که بهترین و محبوبترین چیزی که از این اندرز فرا می گیری، ترس از خداست و اکتفا به آنچه بر تو واجب ساخته و گرفتن شیوه ای که پیشینیان، یعنی نیاکان و نیکان خاندانت، بدان کار کرده اند. حضرت علی علیه السلام در چگونگی تاثیر الگو و سرمشق در زندگی و رفتار دیگران می فرماید که سرمشق باید خود عامل به تعالیم و اخلاقیات باشد و قصد انتقال آنها را به متریبان داشته باشد فقط در این صورت قادر به ایفای نقش تربیتی خواهد بود.

همانطور که بیان شد ارائه الگو می تواند یک عامل مهم و روش خوب برای تربیت اخلاقی فرزند باشد.

۴_۲) فطرت آدمی

انسان به فطرت خود، آزادی دوست است و میل به آزادی دارد و این مهمترین گوهر وجود آدمی در جهت هدف‌هایی تربیتی است، چنان که امیرمؤمنان علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام یاد آور شده است: «بنده دیگری مباش که خداوند آزادت آفریده است» (شریف رضی؛ ترجمه دشتی) مردمان را به آزادی از سخت‌ترین موانع تربیت آدمی، یعنی دنیای نکوهیده فراخوانده و فرموده است: «آیا آزاده ای نیست که این خرده طعام مانده در کام دنیا را بیفکند و برای آنان که در خورش هستند نهد؟ جانهای شما را بهایی نیست جز بهشت جاودان، پس جز بدان مفروشیدش» (همان) فطرت الهی انسان، دانشها، هوشیاری‌ها و گرایش‌هایی به فضایل و حقایق دارد که هیچ گاه از او جدا نمی شوند. به عبارتی، فطرت به عنوان یک ویژگی بنیادین و مشترک انسانها، ریسمانی است متصل از اوج آسمان ربوبیت به خاک زمین حیوانیت ما و در اثر این اتصال و ارتباط، آدمی از حیوانیت جدا و به جرگه انسانیت پامی‌نهد. بر این اساس، یکی از بنیادهای تربیت و به ویژه تربیت، توجه به فطرت و اخلاقی انسان در نهج البلاغه و نامه ۳۱ امام علی و ویژگی‌های فطری اوست. (بهشتی، رستمی، ایمانی، ۱۳۹۷، ص ۱۴-۱۷)

۵_۲) معاد:

اعتقاد به معاد مسئولیت اخلاقی در برابر خداوند را در پی دارد. چرا که حکمت خداوند ایجاب می کند که آخرتی باشد تا حساب بدکاران و نیکوکاران از هم جدا شود. برای اینکه هر قانونی بتواند به درستی اجرا شود باید ضمانت اجرایی داشته باشد. دین هم از این قاعده مستثنی نیست. از دیدگاه امام علی علیه السلام وقتی آخرت دارالقرار شد دنیا از ارزش می افتد. آن حضرت تمثیل زیبایی در این زمینه مطرح کرده اند: همانا داستان آن کس که دنیا را آزمود، چونان مسافرانی است که در سر منزلی بی آب و علف و دشوار اقامت دارند و قصد کوچ کردن به سرزمینی را دارند که در آنجا آسایش و رفاه فراهم است. پس مشکلات راه را تحمل می کنند، و جدایی دوستان را می پذیرند، و سختی سفر، و ناگواری غذا را با جان و دل قبول می کنند، تا به جایگاه وسیع، و منزلگاه امن، با آرامش قدم بگذارند، و از تمام سختی های طول سفر احساس ناراحتی ندارند، و هزینه های مصرف شده را غرامت نمی شمارند، و هیچ چیز برای آنان دوست داشتنی نیست جز آن که به منزل امن، و محل آرامش برسند. اما داستان دنیا پرستان همانند گروهی است که از جایگاهی پر از نعمت ها می خواهند به سرزمین خشک و بی آب و علف کوچ کنند، پس در نظر آنان چیزی ناراحت کننده تر از این نیست که از جایگاه خود جدا می شوند، و ناراحتی ها را باید تحمل کنند. (ترجمه دشتی، همان)

نظر داشتن به سرای آخرت و توجه به ناپایداری دنیا باعث می شود انسان به دنیا حرص و طمع نداشته باشد و سختی ها برای او آسان شود با توجه به آن انسان به کمالات و ملکات اخلاقی برسد.

۳) مبانی شناختی در تربیت اعتقادی:

مبانی انسان شناختی تربیت اعتقادی فرزندان از منظر نامه ۳۱ نهج البلاغه بر اساس فهم عمیق امام علی علیه السلام درباره انسان و ظرفیت معرفتی او است. امام در این نامه به فرزند خود امام حسن مجتبی علیه السلام سفارشات درباره اهمیت باور اعتقادی و تربیت دینی دارد و آن را بخش اساسی تربیت می‌داند که باید از سنین کودکی آغاز و به تدریج درک و ایمان را در وجود فرزند نهادینه کرد.

امام علی علیه السلام بر اساس انسان، به عنوان موجودی دارای قابلیت رشد معرفتی و اعتقادی تاکید می‌کند. انسان معجونی الهی است که توانایی درک حقایق و ارزش‌های معنوی را دارد و این ظرفیت باید در فرزند رشد یابد. اهمیت انتقال آموزه‌های دینی و معرفتی پایه‌ای مانند توحید، خداشناسی، حق و باطل که به عنوان پایه‌های اعتقاد هستند را امام به شدت مورد توجه قرار داده است زیرا این آموزه‌ها ستون فقرات اعتقاد دینی و اساس شخصیت انسان محسوب می‌شوند و نقش بسیار حیاتی در هدایت فکری و معنوی فرد دارند. (ترجمه دشتی، ۱۳۹۲، ص ۳۷۳)

آموزه توحید و خداشناسی به عنوان اصل نخست دین و پایه همه باورهای دیگر شناخته شده است. امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید که سرآغاز دین، شناخت خدا و کمال آن، باور و شهادت به وحدانیت خداست که سبب اخلاص و دوری از صفات مخلوقات می‌شود. این باور به یگانگی خدا، زیربنای ایمان راستین و راهنمای انسان در زندگی است و به او انسجام فکری و روحی می‌دهد. (سید رضی، نهج البلاغه)

در کل، از منظر نامه ۳۱ نهج البلاغه مبانی انسان شناختی تربیت اعتقادی فرزندان شامل: باور به قابلیت رشد اعتقادی انسان، ضرورت مراحل تدریجی و پیوسته آموزش معارف دینی، تمرکز بر یاد خدا و پرورش دل و عقل در مسیر ایمان، و انتقال معارف توحیدی و حقانیت دین به گونه‌ای عملی و عمیق است که جوهر انسان را شکل دهد و در برابر دگرگونی‌های دنیایی پایدار نگه دارد.

۴) مبانی انسان‌شناختی تربیت اجتماعی فرزند

تربیت اجتماعی فرزند فرایندی چندجانبه است که برای موفقیت در آن، شناخت عمیق و دقیق از ماهیت انسان و ویژگی‌های او ضروری است. مبانی انسان شناختی، به عنوان بنیان نظری تعلیم و تربیت، چارچوبی علمی و فلسفی فراهم می‌آورند که بر اساس آن می‌توان اصول و روش‌های تربیتی را طراحی و اجرا کرد. این مبانی، به شناخت دقیق فرد و جامعه، تفاوت‌ها و قابلیت‌های انسانی، و نیز ویژگی‌های فطری و عقلانی انسان می‌پردازند و تأثیر متقابل فرد و اجتماع را در مسیر تربیت نشان می‌دهند. از منظر این مبانی، تربیت اجتماعی فرزند نه تنها به رشد فردی، بلکه به شکل‌گیری شخصیتی متعادل، مسئولیت‌پذیر و آگاه نسبت به اجتماع می‌پردازد که در مواجهه با تغییرات و تحولات نسلی نقش اساسی ایفا می‌کند. در ادامه، مبانی کلیدی انسان شناختی که زیربنای تربیت اجتماعی فرزند در منابع دینی و به ویژه نامه ۳۱ نهج البلاغه است، بیان و تبیین می‌شود.

۴_۱) فطرت و سرشت انسان

انسان از نظر امام علی علیه السلام موجودی فطرتاً اجتماعی است که دارای سرشتی الهی و ترکیبی از جسم و روح می‌باشد. این فطرت اجتماعی انسان را به سوی ارتباط، همکاری و همزیستی با دیگران سوق می‌دهد و در تربیت اجتماعی باید این مبنا مورد توجه قرار گیرد که فرد باید با خود، خدا و مردم رابطه صحیحی برقرار کند.

فطرت و سرشت انسانی از نظر نامه ۳۱ نهج البلاغه به عنوان مبنای کلیدی تربیت اجتماعی شناخته می‌شود که بنیان طبیعی و الهی دارد و زمینه‌ساز تربیتی است که هم توأم با رشد معنوی فرد و هم نقش‌آفرینی متعادل اجتماعی در نسل‌های مختلف است. فطرت و سرشت انسان به عنوان مبنای انسان‌شناختی تربیت اجتماعی در نامه ۳۱ نهج البلاغه اهمیت ویژه‌ای دارد. امام علی علیه السلام در این نامه انسان را موجودی ذاتاً اجتماعی و فطرتاً آماده پذیرش تربیت می‌داند؛ یعنی فطرت پاک و سرشت الهی انسان حاضر و آماده استقبال از آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی است. از این رو، قلب جوان را مانند زمین خالی می‌شمارد که هر بذری در آن کاشته شود، می‌رویانند. این اساس انسانی به تربیت فرصتی می‌دهد تا در مواجهه با تغییرات نسلی، با کاشت ارزش‌ها و تعالیم دینی و اخلاقی، فرزندان را در برابر آسیب‌ها، ناهنجاری‌ها و تغییرات فرهنگی و اجتماعی مقاوم سازد. فطرت، ظرفیت پذیرش تربیت مستمر و تعادل بین نیازهای فردی و اجتماعی را فراهم می‌کند و بدین ترتیب تربیت اجتماعی از این مبنا، با تأکید بر رشد معنوی و اخلاقی و آشنایی به مسئولیت‌های اجتماعی، متناسب با فرازونشیب‌های نسل‌های مختلف شکل می‌گیرد و می‌تواند ناظر به حفظ کمال انسانی و سلامت اجتماعی باشد. (محمدعلی افخمی اردکانی، ۱۳۹۰)

۴_۲) اهمیت تربیت از دوران کودکی و ضرورت شتاب در تربیت

نامه ۳۱ بر تربیت از دوران کودکی تأکید دارد. تربیت از کودکی فرصت می‌دهد که انسان در مراحل شکل‌گیری شخصیت، رفتارها و اخلاق اجتماعی را به طور عمیق جذب کند و این موضوع نقشی کلیدی در مقابله با تحولات نسلی دارد.

تربیت از کودکی در نامه ۳۱ یک برنامه عملی و پیوسته است که شامل انتخاب نام نیکو، آموزش قرآن، ادب‌آموزی و محبت به فرزند می‌شود. این برنامه مستمر تضمین‌کننده رشد اخلاقی، دینی و اجتماعی است که با تغییرات نسل‌ها تناسب دارد و کودک را به فردی مسئول، متعهد و آگاه به جایگاه اجتماعی‌اش تبدیل می‌کند. که البته بیان این موارد نقش تأثیرگذار والدین بر تربیت فرزند را به روشنی نمایان می‌کند. خانواده سالم و متوازن، واحد پایه‌ای جامعه است و این تعادل در خانواده به سلامت و تعادل کل جامعه منتقل می‌شود و این در گرو تربیت صحیح فرزندان در خانواده است. (جعفری فهیمه، رضاییان زهرا، ۱۴۰۲)

تربیت یک برنامه عملی و مستمر است که شامل آموزش قرآن، ادب‌آموزی، محبت و انتخاب نام نیکو برای فرزند است. همچنین، تربیت در کودکی بر اساس خودسازی و رشد اخلاق فردی است که با تغییرات نسل‌ها تناسب دارد و کودک را به فردی مسئول، متعهد و آگاه به جایگاه اجتماعی‌اش تبدیل می‌کند. (جعفری فهیمه، رضاییان زهرا، ۱۴۰۲)

۴_۳) خودسازی و اخلاق اجتماعی

خودسازی و پرورش اخلاقی در نهج‌البلاغه به ویژه در نامه ۳۱ به عنوان پیش‌زمینه و مقدمه‌ای لازم برای اصلاح روابط اجتماعی و تربیت متعادل و آگاهانه فرزند مطرح شده است. امام علی علیه السلام مراحل خودسازی را در این نامه به صورت موجز و عمیق بیان می‌کند که در ادامه با توضیح بیشتری بیان می‌شود:

۴_۳_۱) مفهوم خودسازی در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه

خودسازی یعنی اصلاح درون و پرورش اخلاق فردی به گونه‌ای که قلب و روح انسان زنده، پاکیزه و استوار شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید باید قلب را به موعظه و نصیحت زنده کرد و با زهد و دوری از هوا و هوس‌ها قلب را میرد، سپس با یقین و حکمت آن را تقویت و نورانی ساخت. این خودسازی شامل دوری از دنیاپرستی، پرهیز از گناه و توجه به فناپذیری انسان است که موجب تزکیه نفس و آماده شدن برای رفتار اجتماعی مسئولانه می‌شود. (افشون علیرضا، ۱۳۹۲، ص ۳۲)

۴_۳_۲) مراحل اصلی خودسازی

امام علی علیه السلام در نامه ۳۱ هشدار می‌دهد که باید مراحل را برای اصلاح نفس و رشد اخلاقی طی کرد؛ از جمله این مراحل، زنده کردن دل با موعظ و نصایح، مردن دل نسبت به هوس‌ها و تمایلات نفسانی با زهد، تقویت یقین و ایمان قلبی، نورانی کردن قلب با حکمت و دانش، یادآوری مرگ برای تواضع و اجتناب از غرور، بصیرت یافتن نسبت به سختی‌ها و مشکلات دنیا، هشدار نسبت به ناملایمات و تحولات زمانه، عبرت گرفتن از سرگذشت گذشتگان و یادآوری تجارب تاریخی. (دشتی محمد، ۱۳۹۵، ص ۳۷۱)

۴_۳_۳) رابطه خودسازی با تربیت اجتماعی

پرورش درون و اصلاح اخلاقی زمینه‌ساز بهبود روابط اجتماعی است، زیرا انسانی که خود را شناخته و نفس خود را کنترل کرده، در ارتباط با دیگران نیز متعادل و عادلانه رفتار می‌کند. خودسازی، حساسیت به حقوق دیگران، مودت و عدالت را در فرد ایجاد می‌کند که این مبنای یک تربیت اجتماعی کامل و آگاهانه است. بنابراین، امام علی علیه السلام توجه به خودسازی را شرط لازم برای هرگونه تربیت اجتماعی و اصلاح جامعه می‌داند. (حسین، ۱۳۹۷)

از منظر نامه ۳۱ نهج‌البلاغه، خودسازی و اصلاح اخلاق فردی مرحله‌ای بنیادین برای تربیت اجتماعی است که فرزند را به فردی باوجدان، متعادل و مسئولیت‌پذیر تبدیل می‌کند و شرایط لازم برای مواجهه موفق با تغییرات نسلی و اجتماعی فراهم می‌آورد.

۴_۴) توجه به تغییرات و بحران‌های نسل‌های بعد

نامه ۳۱ نهج‌البلاغه به ضرورت آگاهی و آمادگی نسل آینده در مواجهه با تغییرات و خطرهای اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی اشاره دارد و اهمیت دادن به تربیت صحیح فرزند را در این مسیر به صورت چندوجهی تبیین می‌کند:

۴_۴_۱) آگاهی از خطرات و تحولات زمانه

امام علی علیه السلام در نامه بر توجه فرزند به حوادث روزگار و ناملایمات تاکید می‌کند تا جوان همواره خود را آماده مواجهه با تحولات اجتماعی و فرهنگی کند. این آگاهی باعث می‌شود فرزند در برابر آسیب‌ها و انحرافات مقاومت داشته باشد و تغییرات نسلی نتواند او را از مسیر درست منحرف کند. (دشتی محمد، ۱۳۹۵، ص ۳۷۱)

۴_۴_۲) تربیت اجتماعی مبتنی بر اصول و ارزش‌های اخلاقی

نامه ۳۱ اصولی چون عدالت، انصاف، دوری از ظلم، نیکی به دیگران و رعایت حقوق اجتماعی را به عنوان ضوابط روابط اجتماعی معرفی می‌کند که باید در فرزندان پرورش یابد. این اصول اخلاقی، پایه تربیت اجتماعی مستحکم و پایدار هستند که نسل آینده را برای زندگی مثبت در جامعه آماده می‌سازند. (همان)

۳_۴_۴) اهمیت تربیت مستمر و عملی

امام علی علیه السلام تربیت را نه به صورت توصیه کلی بلکه به عنوان برنامه‌ای عملی و مستمر می‌داند که با انتخاب نام نیک، آموزش قرآن، ادب آموزی، محبت و توجه به روحیات فرزند پیگیری می‌شود. این برنامه متناسب با شرایط زمانه و ویژگی‌های نسل جدید طراحی شده تا تربیت دقیق و موثر باشد.

۴_۴_۴) تربیت فرزند به عنوان سرمایه‌ای گران‌بها

در نامه ۳۱، فرزند به عنوان پاره تن و سرمایه گران‌بهای خانواده معرفی شده که در معرض خطرات زیادی است و نیازمند مراقبت، دلسوزی و آموزش مداوم می‌باشد. این نگرش، ضرورت توجه ویژه و مسئولیت‌پذیری والدین را در تربیت اجتماعی نسل آینده برجسته می‌کند. (اسدی معصومه، ۱۴۰۴، ص ۲۳_۳۰)

۵_۴_۴) آمادگی نسل آینده برای مواجهه آگاهانه با تحولات فرهنگی و اجتماعی

با آموزش‌های تربیتی مطابق با مبانی انسانی، اخلاقی و دینی، فرزندان توانایی تحلیل و مقاومت در برابر موج‌های مختلف فرهنگی را پیدا می‌کنند. آن‌ها یاد می‌گیرند چگونه هویت اسلامی و انسانی خود را حفظ کنند و در عین حال با تحولات نسلی سازگار شوند، بدون آنکه ارزش‌های بنیادی خود را از دست بدهند. (همان)

به این ترتیب، اهمیت دادن به تربیت صحیح فرزند در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه، عاملی بنیادی برای تربیت اجتماعی فرزند است که او را در مواجهه با تغییرات نسلی قدرتمند، مقاوم و مسئول بار می‌آورد و زمینه‌ساز جامعه‌ای سالم و متعادل می‌شود. نامه ۳۱ نهج‌البلاغه ضرورت آگاهی و آمادگی نسل آینده در مواجهه با تغییرات و خطرهای اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی را تاکید می‌کند و تربیت صحیح فرزند را در این مسیر بسیار مهم می‌داند. امام علی علیه السلام فرزند را به دریای وسیعی از تحولات و خطرات اجتماعی معرفی می‌کند که نیازمند دلسوزی و توجه ویژه است. این نامه هشدار می‌دهد که نسل آینده باید با داشتن تربیت عمیق دینی، اخلاقی و انسانی، توانایی مقابله آگاهانه با ناهنجاری‌ها، آسیب‌ها و تغییرات فرهنگی را پیدا کند. تربیت اجتماعی بر اصول عدالت، انصاف، احترام به حقوق دیگران و تقویت فضائل اخلاقی استوار است که رشد متعادل و آگاهانه فرزند را تضمین می‌کند. این آمادگی و تربیت مستمر، نسل را قادر می‌سازد در دنیای متغیر امروزی هویت خود را حفظ کند و مسئولانه در جامعه نقش ایفا کند، بدون آنکه از ارزش‌های انسانی و دینی دور شود. به این ترتیب، نامه ۳۱، تربیت اجتماعی فرزند را به عنوان ابزاری کلیدی برای حفظ تعادل و پایداری جامعه در مواجهه با تغییرات نسلی مطرح می‌کند.

نتیجه

مقاله حاضر با هدف بررسی مبانی انسان‌شناختی تربیت فرزند از منظر نامه ۳۱ نهج‌البلاغه و واکنش به تغییرات نسلی صورت گرفت که سه بُعد اخلاقی، اجتماعی و اعتقادی این مبانی را مورد تحلیل قرار داد. بررسی‌ها نشان داد که نهج‌البلاغه با تأکید بر ریشه‌های انسان‌شناسی اسلامی، تربیت فرزند را فرآیندی جامع و هدفمند می‌داند که همزمان باید بر تقویت فضایل اخلاقی، ارتقای تعاملات اجتماعی صحیح و تعمیق باورهای اعتقادی تکیه کند. این رویکرد چندبُعدی، سازگاری نسل جدید با تغییرات اجتماعی و فرهنگی را ممکن ساخته و فرزندان را در مواجهه با چالش‌های معاصر توانمند می‌سازد. افزون بر این، یافته‌ها تأکید می‌کنند که اجرای تربیت انسانی از منظر نامه ۳۱، ضمن حفظ هویت دینی و فرهنگی، زمینه‌های رشد همه‌جانبه فرد را در جهت تحقق کمال انسانی فراهم می‌آورد.

نتایج مقاله بر این است که تربیت فرزند براساس دیدگاه امام علی علیه السلام فراتر از آموزش ظاهری است و شامل تربیت اجتماعی، اخلاقی و اعتقادی با تأکید بر خودسازی و رشد درونی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که امام علی برای تربیت فرزند، به روندی سه مرحله‌ای براساس مقتضیات سنی توجه کرده‌اند که در آن ادب آموزی، آموزش نماز، و پرورش اخلاقی و اعتقادی به عنوان ارکان اصلی مطرح است. به علاوه، ایشان نقش محوری والدین در

تربیت را تصدیق کرده و ادب را بهترین ارثیه‌ای دانسته‌اند که والدین به فرزندان خود می‌دهند. پیامد تحقق این تربیت، فرزند صالح، مایه آرامش و انس خانواده با ویژگی‌هایی چون اطاعت و تقواست. پرورش نسل صالح، ایجاد انسجام اجتماعی، تربیت اخلاقی و اعتقادی، و مقابله با تغییرات نسلی و شکاف‌های فرهنگی از اهداف مورد انتظار این مقاله بود. طبق بیانات امیرالمومنین در نهج‌البلاغه، تربیت هدفمند که با توجه به ظرفیت‌های روانی و فطری فرزند همراه باشد، نه تنها به موفقیت فردی فرزند کمک می‌کند بلکه موجب استحکام خانواده و جامعه می‌شود.

در مجموع، مبانی انسان‌شناختی تربیت طبق نامه ۳۱ نهج‌البلاغه می‌تواند به عنوان چارچوبی غنی و کاربردی برای پاسخ به تغییرات نسلی و حفظ تعادل اخلاقی، اجتماعی و اعتقادی فرزندان در محیط‌های متحول امروز عمل کند.

منابع

قرآن

نهج البلاغه

1. اسدی، معصومه؛ «نقش الگوسازی والدین در تربیت اخلاقی اجتماعی فرزندان از منظر نامه سی و یکم نهج‌البلاغه»، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ش 85، 1404.
2. افخمی اردکانی، حمدعلی؛ «تبیین روش‌های تربیت اجتماعی در نهج البلاغه»، نشریه النهج، ش 22، 1390.
3. افشون، علیرضا؛ «خودسازی در نهج البلاغه»، نشریه آستان قدس رضوی، ۱۳۹۲.
4. انصاری، قدرت الله؛ «احکام و حقوق کودکان در اسلام، مرکز فقهی ائمه اطهار، ج 1، ۱۳۹۲.
5. بهشتی، سعید؛ رستمی، همایون؛ ایمانی، محسن؛ «نظام تربیت اخلاقی در نامه 31 نهج البلاغه»، مجله قرآن و طب، ش 1، 1397.
6. جعفری، فهیمه؛ رضاییان، زهرا؛ «نقش والدین در تربیت فرزند با تاکید بر نامه ۳۱ نهج البلاغه»، مطالعات تربیتی و روانشناختی خانواده، شماره 8، 1402.
7. حسینی، حسین؛ «خودشناسی و خودسازی از منظر امام علی ع در نهج البلاغه»، نشریه مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت، 1397.
8. دشتی، محمد؛ ترجمه نهج البلاغه حضرت امیرالمومنین ع (با تجدید نظر و ویرایش جدید)، ۱۳۹۵.
9. رجبی، دهقان؛ «نقش معلم در تربیت از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه»، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، 1392.
10. رستمی زاده، «حق و باطل از دیدگاه امام علی ع»، مجله معرفت، ش 39، 1379.
11. سلطانی رنایی، مهدی؛ «روشهای تربیتی در پرتو نهج البلاغه»، فرهنگ کوثر، ش 75، 1387.
12. شریعتی، حسن زاده، بهشتی، سلحشوری، «مبانی انسان‌شناختی علامه حسن زاده آملی و اصول تربیت اجتماعی منتج از آن»، نشریه علمی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۵۸، 1402.
13. شریفی، عنایت؛ «تحلیلی از مبانی انسان‌شناختی سلامت معنوی در قرآن»، مجله سلامت معنوی، ش ۳، 1403.
14. عبدالکریم، پاک نیا؛ «حقوق متقابل والدین و فرزندان، قم، نشر کمال الملک، 1382.
15. علوی زاده شیرازی، صبا؛ «تربیت اسلامی از دیدگاه امام علی ع»، فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی، شماره 8، 1400.
16. کریم خانی، حمزه؛ «خداشناسی در نهج البلاغه»، گلبرگ، شماره 61، 1384.
17. مکارم شیرازی، ناصر؛ پیام امام امیرالمومنین (ع): شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، 1398، ج 9.

18. منتظری، محمدحسین؛ «ولایت‌مداری و انواع آن در نهج البلاغه»، مجله حصون، شماره 15، 1387.

19. موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، فرهنگ فقه فارسی، ۱۳۸۴، ج ۲.